

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۱۵

نویسنده: بهادرا کومار
مترجم: رسول رحیم

هند در حین مباحثه افغان ها روی حکومت موقت محتاط است

منبع: اندین پنچ لاین ۱۳ اکتوبر
قسمت دوم



مصالح سیاسی هند در افغانستان با سیاست متحدش امریکا انطباق ندارد:

برای دهلی جدید برنامه گذاری سیاست در ارتباط با افغانستان به یک عمل دشوار و طاقت فرسا تبدیل شده است. حتی کسانی مانند اجیت داول مشاور امنیت ملی، که از سیاستمداران کهنه کار معتاد به بازی بزرگ می باشد، در آستانه فروغزیدن افغانستان بعد از ۱۹ سال جنگ به رهبری ایالات متحد امریکا، با اوقات چالش برانگیز رو به رو می باشند. دریغا که امروز همه چیز در امنیت منطقوی یک بُعد امریکائی دارد، مثلاً "کواد" (یا گفت وگوها و یا اتحاد چهارجانبه امریکا، هند، استرلیا و جاپان علیه چین. م)، حالت درجاذگی جنگی (بین هند و چین) در لاداخ و جهان گیر شدن وپروس کرونا چند نمونه اندک آن اند.

حتی همینکه عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی آشتی ملی افغانستان، روز سه شنبه گذشته در یک ماموریت نیرنگ آمیز به منظور همونا گردانیدن هند به یک «اجماع منطقوی» گسترده برای تشکیل یک «حکومت موقت» در کابل به دهلی رسید، ترامپ توییتی را انتشار داد و تهدید نمود که مصمم است تا کریسمس نیروهای امریکائی را از افغانستان بیرون بکشد.

مسکو این را نیرنگ انتخاباتی ترامپ خواند، اما ترامپ از آنجائی که اصرا داشت او جدی است، تاکید نمود که ادامه دادن "جنگ ابدی" پس از نزده سال معنی ای ندارد.

اما روس ها نیز ندرتاً در ارتباط با ترامپ اشتباه می کنند. این انکار آن ها در سطح ضمیر کابلوف نماینده رئیس جمهور روسیه در افغانستان و کارشناس خبره مسکو در کابل ابراز می شود.

ترامپ احتمال دارد با نگاهی به گفت وگوهای صلح در دوحه چنین اظهار نظری نموده باشد و منظور شلاق کاری عناصر کله شق و اصولاً اشرف غنی بوده است. آیا این تصادفی بوده می تواند که این توییت هنگامی انتشار یابد که تازه غنی به دوحه شتافته است؟

این لحظه غم انگیزی برای هند است. هند هرگز به یک دوست افغان نیازمند پشت نکرده است. این یک خصوصیت امریکائی است که «تیراندازی داشته باش، به هر جا می خواهی برو!»

هند این را می داند که هر «حکومت موقت» که ایالات متحد امریکا در کابل تعبیه کند، فقط منجر به اجرائی شدن دستورکار طالبان (پاکستان) می شود. به طور موجز یک حالت مخصمه آمیز به وجود می آید.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

دهلی می بایست چون دوزخ نگران آن باشد-چنان که سفر خصوصی رشید دوستم رهبر پیشین جبهه اتحاد شمال ضد طالبان نشان می دهد، هند تلاش های ناامیدانه را برای نجات از این مخصمه راه اندازی نموده است. شگفت انگیز نیست که در جریان گفت و گوهای عبدالله عبدالله در دهلی، با اجیت داول، جنرال بی پین راوات رئیس ستاد دفاعی و جنرال میناج ناروانی لوی درستیز هند نیز حضور داشته اند. این حامل یک پیام قوی بود.

در عین زمان اخیراً روایت جدیدی در مورد طالبان در حال پاگرفتن است که به طور گسترده ای انتشار می یابد. بر مبنای این روایت، طالبان از امارت می گذرند و حاضر به مشارکت در قدرت اند. طالبان به این نظر رسیده اند که که نمی توانند سیستم حکومت دلخواه شان را داشته باشند و باید از طریق مذاکرات به تفاهم برسند که برای همه سهامداران، همه احزاب و اکثریت مردم افغانستان قابل قبول اند.

این روایت ما را بدین معتقد خواهد ساخت که اردوی پاکستان، "آی اس آی" یا استخبارات نظامی آن کشور اوقات آزار دهنده ای را با آن طالبانی سپری می کنند که به آن ها گوش فرا نمی دهند و به طور فزاینده ای از آن ها فاصله می گیرند. در این روایت گفته می شود که بسیاری طالبان از پاکستان بیرون رفته اند و هرگاه طالبان ترجیح می دهند که دوحه محلی برای گفت و گوهای صلح باشد، برای آنست که از دسترس پاکستان دور باشند، و غیره...

با اینهم بخش دیگر این روایت چنین است که نظامیان پاکستانی به طالبان توصیه می نمایند تا بخشی از نظام سیاسی افغانستان گردند، درپروسه سیاسی سهم شوند، یک حزب سیاسی بسازند و به رقابت انتخاباتی بپردازند.

البته برای یک ذهن منطقی، مشکل با این روایت فریبنده از آن جهت وجود دارد که با کدام شاهد و برهان تجربی تصدیق نمی شود. علاوه براین بسته نی است که به معنای برداشتن همه چیز و یا هیچ است.

برای کسب اطمینان از این اصل باید گفت، اطلاعات از دوحه حاکی از آن است که طالبان هرگز نمی خواهند به همکاری با رئیس جمهور غنی که او را دست نشانده امریکا می خوانند، توافق نمایند. کادرهای طالبان آشتی با وی را یک عمل پیمان شکنانه می دانند. از اینجاست که می توان گفت آن توافقی که غنی به طالبان مشابه توافق با گلبدین حکمت یار رهبر مجاهدین چند سال پیش، پیشنهاد نموده بود، محلی از اعراب ندارد.

مصالح سیاسی هند در افغانستان با سیاست متحدش امریکا انطباق ندارد:

"کواد" یا اتحاد ستراتژیک امریکا، هند، استرالیا و جاپان علیه چین برای شرق است و افغانستان در غرب قرار دارد بنابر این، با توجه به همه مسائلی که از نظر گذشت، یک حکومت موقت ضرورت الزام آور برای ادامه پروسه صلح و کسب توافق طالبان برای آتش بس شده است. اداره حاکم بر واشنگتن به طور بسیار فعالانه از این نظر حمایت می کند.

بازدید عبدالله از پاکستان و هند را نیز می توان در پرتو این واقعیت دید. کاملاً قابل درک است که واشنگتن و اسلام آباد عبدالله را ترغیب نموده اند تا حمایت هند را برای پروژه حکومت موقت مطروحه در کابل به دست آورد که تحت رهبری وی تشکیل خواهد شد.

امریکائی ها فوق العاده عجله دارند تا به جنگ پایان بدهند و به مرحله بعدی بازی بزرگ داخل شوند تا قدرت های "تجدید نظر طلب"- روسیه و چین- را مهار زنند که هژمونی جهانی شان را به چلنج کشیده اند.

یک ترتیب حکومتی بعدی که در آینده در کابل تحت فرماندهی طالبان به وجود بیاید برای منافع امریکائی ها مناسب است. طالبان هرگز علاقه مندی شان را برای تشکیل یک مشارکت ستراتژیک با ایالات متحد امریکا بعد از حل مساله (جنگ) پنهان نکرده اند.

ایالات متحد امریکا می خواهد بی میلی طالبان را در قسمت تیرای علنی از روابط مودت با القاعده را نا دیده بگیرد. نکته قابل توجه آنست که ایالات متحد امریکا نیز یک تاریخچه گذشته پیچیده تعامل با القاعده داشته است.

در حقیقت ایالات متحد امریکا یک دهه قبل از تولد طالبان، القاعده را در خاک افغانستان غرس نمود. ثانیاً ایالات متحد امریکا از آن مناسبات قوی روابط زنا شوهری و تجاری که القاعده و طالبان را به هم اتصال می دهد، و اینکه بین رهبری طالبان و القاعده مناسبات جدائی ناپذیر وجود دارد، به طور مشروحی اطلاع دارد.

کافی است تا گفته شود که جنگ جویان القاعده روابط ذاتی و درونی با کادرهای طالبان دارند، و این امر به نوبه خود امکانات بی نظیری را برای سناریوی جیوپولتیکی آینده در مورد آسیای مرکزی، چین، روسیه، ایران و غیره در اختیار قرار می دهد.

جالب آنست که رابین رافل، کسی که در سال های ۱۹۹۰ طالبان را به هنگام نوزادی اش پرورش می داد و از حسن نیت بی نهایت نخبگان پاکساتی برخوردار است، اخیراً دوباره سربلند کرده است تا به هنگامی که افغانستان مبدل به کنجی برای شروع مبارزه جیوپولتیکی علیه روسیه، چین و ایران می گردد، سورتمه سه اسپه امریکا- پاکستان- طالبان را غنا بخشد.

در اصول، این باید مایه خشنودی هندی ها باشد که با انتقالی که در افغانستان مطرح است، در حکومت موقت بعد از غنی، عبدالله یک دوست قدیمی شان رئیس می باشد. شاید این یک نوع پیروزی پنداشته شود.

سوال در این است که تا کجا عبدالله می تواند برای مهارزدن طالبان و برقرار نگه داشتن یک سقف (جولان.م) در میدان بازی برای هند موثر باشد؟ - در هندوکش، قدرت از میله تفنگ بیرون می شود- و عبدالله هرگز یک کلاشینکوف را در دست نگه نداشته است.

واضحاً گفته شود که خطر واقعی در آنست که احتمال دارد آن پیروزی ای را که هند در دو دهه گذشته در میدان جنگ افغانستان با پاکستان، از دهن شکست بیرون کشیده است، شاید به پیروزی ای مبدل گردد که پیروزمند را از پا در آورد.

اما بدیل چیست؟ با "کواد" (اتحاد یا گفت و گوی ستراتیژیک چهارجانبه، بین ایالات متحد آمریکا، هند، استرالیا و جاپان علیه چین) که می کوشد هند را در ذیل اجندا (اهداف و دستور کار) ایالات متحد آمریکا قرار دهد، هرگاه هند خلاف ستراتیژی های ایالات متحد آمریکا قرار گیرد، محدودیت های شدیدی برای هند در دفاع از منافع حیاتی جیوپولتیکی اش در افغانستان به وجود می آید. بازیگران اصلی مانند رابین رافل هرگز با هند خوب نبوده اند.

سرانجام همینکه اکثر احزاب بزرگ اپوزسیون زیر عنوان "جنبش دموکراتیک پاکستان" با هم یکجا شده و از جنرال های قدرتمند تقاضا می نمایند که تا به سیاست تسلیم شده وگردن بگذارند و حمایت شان را از اداره عمران خان قطع کنند، ابرهای طوفانی در چشم انداز سیاسی پاکستان ظاهر شده اند.

کار زار اعتراضی "جنبش دموکراتیک پاکستان" سر از امروز به طور ضربتی در سرتاسر پاکستان شروع می شود. هنگامی که مولانا فضل الرحمن که روایت است مربی طالبان می باشد، به مثابه علم بردار "جنبش دموکراتیک پاکستان" ظاهر می شود، اوضاع بسیار مغشوش می باشد. مطمئناً دست های پنهانی در کار اند.

هند که در جهان افسونگر "جنگ های دو جبهه ئی"، "جنگ های ترکیبی" و "کواد" (یا اتحاد ستراتیژیک با آمریکا، استرالیا و جاپان علیه چین) گم شده است، نمی تواند برای دفاع از مواضع اش دست به عمل نزند. "کواد" در افغانستان و آسیای مرکزی هدفی را دنبال نمی کند و تا آن دم الزام آور می باشد که منافع و اولویت های ایالات متحد آمریکا در ارتباط با آینده افغانستان آشتی ناپذیر باشند.

به هر صورت، رهبری امریکائی ها در "کواد"، هند را در ذهنیت آسیای جنوبی و مرکزی همچون دست نشانده ایالات متحد آمریکا لکه دار می گرداند و کشورهای همفکر در منطقه مانند روسیه، ایران و حتی چین را که نگران تاریخ شیطانی ایالات متحد آمریکا در دستکاری گروه های تروریستی به مثابه ابزار جیوپولتیکی می باشند، در کنار هم قرار می دهد. جغرافیا هند را محکوم به زیستن در این منطقه می کند.